

مقدمه‌ای بر ژئوپلیتیک زیست محیطی

یوسف زین‌العابدین

استادیار دانشکده علوم انسانی گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

حمیدرضا پاک نژاد متکی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

(عهده دار مکاتبات)

تاریخ پذیرش: ۸۵/۹/۹

تاریخ دریافت: ۸۵/۴/۱۵

چکیده

محققان و سیاست‌گذاران در سال‌های اخیر به سمت ژئوپلیتیک زیست محیطی ناظر بر رفتارهای سیاسی روی آورده‌اند. امروزه، منافع مشترک کشورها به صورت فزاینده‌ای وابسته به همکاری جمعی دولت‌ها و ملت‌ها در ارتباط با حفاظت از اکوسیستم کره زمین می‌باشد. در این میان، مسایل ژئوپلیتیک زیست محیطی به دلیل ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و...، جلوه ویژه‌ای از تعامل منافع مشترک کشورها را به نمایش می‌گذارد. از این رو، در جهان کنونی تعدادی از ملت‌ها صرف‌نظر از نظام حکومتی و درجه توسعه اقتصادی، تمایل و آمادگی زیادی در جهت تدوین و تصویب مقررات زیست محیطی به صورت منطقه‌ای و بین‌المللی از خود نشان می‌دهند. زیرا رابطه محیط زیست با مسایل امنیت و توسعه و منافع ملی دولت‌ها پذیرفته شده است. بنابراین، بهتر است دولت‌ها نیز برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به منظور حل و فصل منازعات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و بین‌المللی بر این اساس طرح و اجرا نمایند.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، محیط زیست، دولت‌ها، منافع ملی، امنیت، حاکمیت

مقدمه

است و به‌طور قطع در آینده نیز دستخوش دگرگونی‌های بیشتر خواهد شد. این دگرگونی با پیامدهای چشمگیر ژئوپلیتیکی همراه خواهد بود که در این راستا، چالش‌های سه گروه ذینفع، تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و دولت‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی تجزیه و تحلیل مسایل ژئوپلیتیک زیست محیطی را ضروری ساخته است.

خواستگاه و رشد ژئوپلیتیک زیست محیطی

سر آغاز بحث با تعریفی از اکولوژی^۱ شروع می‌شود و سپس آن را به عنوان مبنایی برای مطالعات ژئوپلیتیک زیست محیطی مورد توجه قرار می‌دهیم. واژه اکولوژی را ارنست هکل^۲ جانورشناس آلمانی در سال ۱۸۶۶ میلادی باب کرد. این واژه از کلمه یونانی oikos گرفته شده است که به معنای مکان یا بوم (زیستگاه) می‌باشد. هکل این واژه را برای اشاره به تحقیقات درباره تمامی روابط حیوانات، اعم

1- Ecology

2- Ernst Heackel

مراقبت از محیط زیست یکی از اصول شاخص ژئوپلیتیک به شمار می‌رود. دلایل توجیه‌کننده گوناگونی وجود دارد که چرا باید دولت‌ها و ملت‌ها مراقبت بیشتر از محیط زیست داشته باشند و این دلایل در ژئوپلیتیک زیست محیطی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بر این اساس ماهیت برهان‌هایی که ژئوپلیتیک زیست محیطی برای مراقبت از محیط زیست عرضه می‌کند مبتنی بر دو اصل است:

۱. برهان‌هایی که بر مبنای آن‌ها دولت‌ها و ملت‌ها به دلیل رعایت مصلحت خودشان باید از محیط زیست مراقبت کنند.
۲. برهان‌هایی که بر اساس آن محیط زیست ارزش ذاتی دارد.

اکنون الگوها، منابع و تأثیرات تغییرات زیست محیطی در سراسر جهان به صورت متفاوت وجود دارند. بنابراین، ما باید جهانی در ذهن خود مجسم کنیم که کاملاً دگرگون شده

ترس از گسترش کاربرد آفت‌کش‌ها در آمریکا، مه‌های غلیظ و کشنده در لندن و نیز نشت مواد نفتی از چند نفتکش بزرگ نمونه‌هایی از ضایعات محیطی مربوط به مباحث امنیت ملی بوده است و نیز آزمایش‌های هسته‌ای ناشی از رقابت تسلیحاتی دوره جنگ سرد نمونه‌ای از ضایعات محیطی مربوط به مباحث امنیت بین‌الملل می‌باشد (۴).

از این رو، امروزه، مقیاس جهانی آسیب‌های اکولوژیکی و آشکار شدن تمایز بین کشورهای غنی و در حال توسعه، باعث به وجود آمدن يك بحران در بیوسفر زمین شده است. کشورهای صنعتی مدلی را برای رشد جهانی آغاز نموده‌اند که این مدل شامل الگوهای مصرفی و ادامه آن بسیار مشکل‌ساز شده است. کشورهای در حال توسعه نیز به ظاهر از همین الگوها پیروی می‌کنند (۵).

این اتفاق، تأثیر مهم گسترده و جهانی در زندگی انسان‌ها گذاشته که سرنوشت کلی ساکنین کره زمین را به موضوع رقابت ژئوپلیتیکی پیوند داده است.

در این راستا، حفظ محیط‌زیست و فراهم آوردن بستری سالم و آرام برای بشر، لزوم ارائه برنامه‌ها و طرح‌های بسیاری از سوی دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد را موجب شده است. هرچند برخی از دولت‌ها تمایل زیادی به حفظ محیط‌زیست دارند، اما وجود برخی منافع باعث شده است که همین دولت‌ها دست به فعالیت‌هایی بزنند که حفظ و بقای محیط‌زیست را به خطر می‌اندازد.

به همین دلیل، ملت‌ها خود نیز به فکر افتادند تا راهی برای حفظ این محیط با ارزش پیدا نمایند، اما از آن جایی که اشخاص به تنهایی نمی‌توانستند در مقابل قدرت بزرگی چون دولت اقدام کنند، بنابراین، تلاش‌های خود را به صورت گروهی و سازمانی آغاز کردند که در این ارتباط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- باشگاه رم^۲ (در سال ۱۹۶۸، با عضویت سی تن از دانشمندان و سیاستمداران سرشناس از کشورهای مختلف جهت بررسی مسایل و مشکلات زیست‌محیطی در شهر رم تأسیس شد) (۶).

۲- باشگاه سی‌پرا^۴ (در سال ۱۸۹۱ در سانفرانسیسکو توسط

از روابط آن‌ها با محیط طبیعی یا غیرطبیعی به کار برد. از نخستین سال‌های قرن بیستم اکولوژی به عنوان شاخه‌ای از دانش زیست‌شناسی به شمار می‌آمد که به مطالعه رابطه میان موجودات زنده و محیط‌زیست آن‌ها می‌پرداخت. اما در اثر کاربرد آن توسط جنبش سبز رو به رشد، به ویژه از دهه ۱۹۶۰ به بعد به طرز روز افزونی به صورت يك واژه سیاسی در آمد (۱) زیرا رهیافت سبز به سیاست، نشان می‌دهد که هر يك از انسان‌ها بخشی از عوامل بروز مسایل جهان هستند و خود می‌توانند بخشی از راه حل این مسایل باشند.

خطرهایی که سالم زیستن را تهدید می‌کند مربوط به همه موجودات زنده به خصوص انسان‌ها می‌شود و هیچ‌کسی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌توجه باشد. بنابراین، هر يك از انسان‌ها، خود باید زمینه و شرایط را برای زندگی خود مساعد سازد و به شیوه ای زندگی کند که ارزش‌های انسانی و اکولوژیک تقویت شوند. بنابراین، سیاست سبز يك انقلاب درونی است (۲).

توانمندی انسان در حفظ و صیانت فضای زندگی خود یا در ویرانگری چشم‌اندازهای آن که در رابطه با شرایط طبیعی، اکوسیستمی متعادلی به وجود می‌آورد، بیانگر این واقعیت است که انسان عامل مهم ساخت‌ها، ویرانگری‌ها، ترکیب و اختلال در قلمروهای زیستی و بیوژئوگرافیک^۱ می‌باشد (۳).

البته، مفهوم اکولوژی و نظریه‌های همسان، مبنی بر این که انسان به طور جمعی می‌تواند در مقیاس بسیار وسیعی لطمات زیادی بر نظام‌های طبیعی وارد نماید به قرن نوزدهم بر می‌گردد. اما این دیدگاه به صورت موضوعات مورد توجه در سطح وسیع، از جنگ جهانی دوم و به شکل موضوع جدی برای بحث‌های ژئوپلیتیکی عمومی از چند دهه اخیر به وجود آمد. در این فرآیند، مفاهیم مهمی نظیر مسایل جهانی و امنیت جهانی به صورت بخشی از فرهنگ ژئوپلیتیکی در آمد و ضایعات محیطی و کارشناسی علمی درباره سیستم‌های طبیعی به مباحث امنیت ملی و بین‌المللی دولت‌های غربی افزوده شد.

برای مثال: مسمومیت جیوه‌ای در می‌نی‌ماتا^۲ ژاپن،

1- Biogeographic

2- Minimata

3- Club of Rome

4- Sierra Club

جان موار^۱،
۳- انجمن اودابن^۲ یا انجمن طبیعت بکر،
۴- علاوه بر سازمان فوق هشت شکل دیگر نیز به نام‌های:
سازمان پارک‌های ملی، انجمن حفاظت از محیط‌زیست،
فدراسیون ملی حیات وحش، انجمن دفاع از منابع طبیعی،
اتحادیه ایزاک والتون^۳، مدافعان حیات وحش، صندوق دفاع
از محیط‌زیست، و مؤسسه خط‌مشی محیطی در ایالات
متحده آمریکا به وجود آمدند که به مجموعه آنها گروه ده
اعلاق می‌شود که در دهه ۱۹۸۰ به وجود آمد (۷).

به همین دلیل محیط زیست و مسایل آن همواره مورد
توجه صاحب‌نظران و محققان بوده است و هر يك عقاید
خود را در این باره بیان داشته‌اند، که در اینجا به گونه کوتاه
به ارایه و بررسی برخی از آن‌ها مبادرت می‌شود:
۱. افلاطون^۱. در حدود پانصد سال قبل از میلاد،
افلاطون هشدار داد که کشاورزان یونانی با اجازه دادن
به دام‌های خود برای چرای بیش از حد در تپه‌ها و نیز
نابود کردن جنگل‌ها به استقبال بلا رفته‌اند (۱۰).

۲. پلوتینوس^{۱۱}. فیلسوف معروف زمان خویش با الهام
از افکار افلاطون دیدگاه خود را نسبت به طبیعت
این‌گونه بیان می‌کند: حق و حقیقت منشأ خداوندی
دارد و در همه بخش‌های جزئی جهان تقسیم شده
است. کوچک‌ترین بخش‌ها، ارواح انسانی است. اما
جهان مادی که شامل طبیعت می‌باشد واقعاً چیزی
ندارد و طبیعت اثری از نشانه‌های پروردگار را معلوم
می‌دارد (۱۱).

۳. ارسطو^{۱۲}. او بر این باور بود که مردم و محیط آن‌ها از
یکدیگر جدایی‌ناپذیرند و آن‌ها هم از شرایط جغرافیایی
و هم از نهادهای سیاسی تأثیر می‌پذیرند.

۴. ژان بدن^{۱۳}. به نظر وی شرایط اقلیمی بر روحیات ملی
و همچنین بر سیاست خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد.

۵. منتسکیو^{۱۴}. او به عوامل گوناگونی اشاره می‌کرد که به
نظر وی در تقسیمات سیاسی اروپای غربی در مقابل

۵- سازمان صلح سبز بین‌المللی در سال ۱۹۷۰ در شهر
ونکوور^۵ کانادا تشکیل شد.
۶- سازمان اول زمین در سال ۱۹۷۰ در نیومکزیکو و آریزونا
توسط دیوید فورمن تاسیس شد.
۷- حزب سبز آلمان در سال ۱۹۸۰ در آلمان تاسیس شد

ماهیت ژئوپلتیک زیست‌محیطی

اصولاً استقرار و ادامه حیات بشر و همه جانوران و گیاهان
را محیط مادی مناسب فراهم کرده است. محیط مادی
(اکوسیستم^۶)، اجتماعی از موجودات زنده به همراه محیط
غیر زنده محل اطراف آن است که در آن مواد (عناصر
شیمیایی) چرخش و انرژی جریان می‌یابد. این اصل بنیادی
را باید در نظر داشت که تداوم حیات در روی زمین از
خصوصیات اکوسیستم‌ها می‌باشد نه فقط افراد زنده یا
جمعیت‌های متعلق به گونه‌ای واحد (۸).

هوایی که ما تنفس می‌کنیم بخشی از کل اتمسفر^۷ می‌باشد
که کره زمین را در بر گرفته است و نزدیک‌ترین قشر آن به
سطح زمین، فضای حیاتی را تشکیل می‌دهد. خاک یا زمین
که یکی دیگر از عوامل تشکیل‌دهنده مادی سیاره زمین
است، در حقیقت، محل انجام همه فعل و انفعالات بشری
و دنیای جانوران و گیاهان محسوب می‌شود و قشری که در

8- Pedosphere
9- Biosphere
10- Plato
11- Plotinus
12- Aristotle
13- Jean Bodin
14- Montesquieu

1- John Muir
2- Group of Audubon
3- Izzak Walton
4- Group of Ten
5- Vancouver
6- Ecosystem
7- Atmosphere

اسلام نیز در این باره جامع و مناسب می‌باشد چنان‌که قرآن کریم همواره انسان‌ها را متوجه پدیده‌های طبیعی می‌کند و آن‌ها را آیات خداوند می‌خواند. در اسلام در حدود چهارده قرن پیش، برای محافظت از درختان و گیاهان، قوانینی وضع شده است که نه فقط جنگل‌ها بلکه حیات وحش را هم در بر می‌گیرد. بر اساس این قوانین، مناطق معین که به آن‌ها «حریم» یا «هیمه» نیز می‌گویند، از سایر مناطق جدا هستند و توسعه و کشاورزی در آن‌ها ممنوع است. این مجموعه قوانین اکولوژیکی بر اساس آیه‌های بی‌شماری از قرآن و فرموده‌های پیامبر اکرم (ص) قرار دارند. موارد زیر جزء آن‌هاست:

۱. زمانی‌که پیامبر اکرم (ص) حاکم مدینه شد، اعلام نمود که درختان اطراف این دو شهر مکه و مدینه به موجب احکامی نظیر احکام زیر تحت محافظت قرار دارند: مدینه مابین دو راه کوهستانی آن را سرتاسر مقدس اعلام می‌کنم، از این رو... از برگ‌های آن جز برای علفه [دام] نباید استفاده نمود.

در شهر مکه نباید کسی شکار کند و گیاهان تازه‌اش را قطع کند.

۲. جهان سبز و زیباست و خداوند شما را خلیفه خود در آن قرار داد. او به آنچه شما انجام می‌دهید واقف است.

۳. اگر شخصی درختی را بکارد یا مزرعه‌ای را زیر کشت ببرد و انسان‌ها، حیوانات یا پرندگان از آن بخورند، این کار صدقه‌ای از طرف آن شخص محسوب می‌شود.

۴. هر کس درختی بکارد و از آن مراقبت کند تا بزرگ شود و ثمر دهد، در جهان آخرت پاداش خواهد گرفت. (۱۳)

به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه انسان با محیط‌زیست، شالوده اصلی ژئوپلیتیک زیست محیطی را تشکیل می‌دهد. زیرا محیطی که آدمی در آن زندگی می‌کند در زمینه‌های مختلفی مانند کار، زندگی شخصی و سرگرمی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این محیط از اشیای متحد، متصل و پدیده‌های طبیعی شامل ژئوگرافی اقلیم، آب‌ها، خاک‌ها، پوشش گیاهی و حیوانات می‌باشد. اتحاد کلی این

دشت‌های وسیع آسیا و اروپای شرقی مؤثر بوده و به ایجاد روحیه استقلال طلبی سیاسی کمک کرده است. ۶. فردریک جکسون ترنر^۱ وی این فرضیه را مطرح ساخت که در تاریخ آمریکا، نفس وجود مرز (که تا آخرین دهه قرن نوزدهم به واسطه ورود نسل‌های متوالی مهاجران به سمت غرب گسترش یافت) به روح و اندیشه مردم آن شکل داده است. به گفته وی، در آمریکا «آن تحول علمی و خلاق اندیشه و آن مصلحت‌طلبی شدید، آن روح مادی‌گری (هرچند فاقد ذوق هنری ولی کاملاً موفق و نیرومند)، آن نیروی بی‌قرار و پرحرارت، آن فردگرایی مسلط (خیر و شر) و آن سبک‌بالی و بلندپروازی برخاسته از آزادی، همه از نفس وجود مرز ریشه می‌گیرند و در هر جایی که مرزی وجود دارد، پدیدار می‌گردند».

۷. سوئل بی کوهن^۲. به عقیده وی جان کلام تحلیل‌های ژئوپلیتیک راه، رابطه قدرت سیاسی بین‌المللی با محیط جغرافیایی تشکیل می‌دهد.

۸. ریمون آرون^۳. به عقیده وی ژئوپلیتیک (سیاست جغرافیایی) عبارت است از: ترسیم جغرافیایی روابط دیپلماتیک- استراتژیک به وسیله تحلیل جغرافیایی- اقتصادی، منابع طبیعی و تفسیر گرایش‌های دیپلماتیک به عنوان معلول شیوه زندگی و محیط‌زیست.

۹. کالین گری^۴. به عقیده وی جغرافیای طبیعی هر چند به تنهایی محدودیت‌ها و امکانات مهمی را به وجود می‌آورد، ولی فقط هنگامی اهمیت اساسی می‌یابد که در رابطه با زمان، تکنولوژی، تلاش‌های ملی مربوطه و انتخاب استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها در نظر گرفته شود (۱۲).

علاوه بر دیدگاه‌های فوق، اندیشه‌های داروین، مالتوس^۵، رانتل^۶، هوفر^۷، اسپراوت^۸ و...، در رشد و تکامل ژئوپلیتیک زیست‌محیطی تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. دیدگاه

1- Frederick Jackson Turner

2- Saul B. Cohen

3- Raymond Aron

4- Colin Gray

5-Thomas Malthus

۶- پدر علم جغرافیای سیاسی در آلمان

۷- جغرافی‌دان آلمانی و مبتکر استراتژی ژئوپلیتیک

۸- Harold & Margaret Sprout صاحب کتاب «The Ecological Perspective on Human Affairs»

دیدگاه این دو گروه در مورد محیط‌زیست متفاوت می‌باشد. امروزه، در مقابل ایدئولوژی‌های سیاسی قدرتمندی چون ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) این ایدئولوژی به وجود آمده است که آنچه ما باید آن را حفظ کنیم دیگر، فقط کشورها نیست، بلکه سیاره زمین و محیط‌زیست سراسر آن است (۱۷).

این ایدئولوژی سیاسی جدید بر دو نکته مهم تأکید دارد: اول این که، انسان‌ها در سیاره محدودی زندگی می‌کنند، در صورتی که توسعه و رشد به صورت نامحدود است؛ از این رو، استفاده و بهره‌برداری از سیاره زمین نیز نباید به صورت نامحدود باشد.

دوم این که، جهان طبیعی (مجموعه حیات) دارای ارزش ذاتی است، نه این که ارزش طبیعت تنها فایده‌ای است که برای انسان دارد. به عبارت دیگر، ارزش جهان طبیعی تنها به دلیل امکان بهره‌مندی انسان از آن نیست.

این طرز تفکر سیاسی جدید که به «فلسفه سبز» موسوم است، جهان کنونی را این چنین توصیف می‌کند. جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم ظاهراً برای افراط در مصرف، ارزش و اهمیت بیشتری قایل می‌شود و عملاً به داشتن چیزهایی که دیگران قادر به داشتن آن نمی‌باشند اهمیت می‌دهد. به این سبب فلسفه سبز، جهان غرب را مورد سرزنش قرار داده است و این سؤال را مطرح می‌سازد، که اگر ثروتمندان غرب به زندگی خود نگاه کنند و به خودشان بگویند: «ما خیلی پول داشتیم، چیزهای زیادی مصرف کردیم، اتومبیل‌ها و خانه‌های زیادی خریدیم، سوخت‌های فسیلی و بنزین زیادی سوزاندیم، تل‌بزرگی از آشغال و زباله بر جای گذاشتیم و این زندگی عالی بود.» آیا این نوع زندگی خوشبختی است؟ آیا این طرز تفکر می‌تواند صلح جهانی را به وجود آورد؟ اما باید گفت که متأسفانه با این اندیشه نمی‌توان به صلح پایدار میان ملت‌ها دست یافت و خوشبختی جهانی را برای ملت‌ها فراهم ساخت (۱۷).

به نظر می‌رسد برای تحقق صلح و آرامش جهانی، مناسب‌ترین راه در استفاده از محیط‌زیست، توجه به اصل آینده‌نگری است؛ زیرا این اندیشه در واقع حرکتی است از موعظه اخلاق به موعظه عدالت، یعنی تقسیم منصفانه منابع، نه تنها میان نسل‌های متوالی انسان‌ها، بلکه بین

عناصر مختلف به این گونه توجیه می‌شود: تمامی تغییرات حاصله در یک ترکیب به زودی به سایر ترکیب‌ها اثر گذاشته و با انعکاسی به روی آن‌ها تغییراتی به وجود می‌آورد که این تغییرات نتیجه نمود و پویای طبیعی و به ویژه نتیجه فعالیت‌های گوناگون انسان است (۱۴).

تحولات روابط دولت‌ها و ملت‌ها

بیلز^۱ (۱۹۳۱) کتاب «تاریخ صلح»^۲ خود را با این گفته آغاز کرده است: «هر اندیشه‌ای که امروزه، درباره صلح و جنگ رواج دارد؛ در طول قرن نوزدهم، توسط گروه‌های سازمان‌یافته موعظه می‌شده است.» او به زمانی اشاره می‌کند که نخستین انجمن‌های صلح در ۱۸۱۵ در انگلستان تشکیل شدند. این سازمان‌ها دقیقاً در دورانی پدید آمدند که جنگ به اصطلاح «موج دومی» توسط ناپلئون به سرعت در حال توسعه و گسترش بود و طی سال‌ها این‌ها به نوبه خود به توسعه چیزی کمک کردند که به صلح موج دومی تبدیل شد، اما بنیادی‌ترین پیش‌فرض‌هایی که این نوع صلح بر آن استوار بود دیگر قابل دفاع نیست (۱۵).

با وجود این، اکنون نیز محیط سالم در این که جامعه محلی در بعد خرد و جامعه جهانی در بعد کلان حداقل به طور نسبی در فضایی آرام و بدون تنش به سر برد، تأثیر دارد. از این رو، ارتباط عمیق محیط‌زیست و صلح امری پذیرفته شده است، به طوری که اعلامیه اجلاس ریو (۱۹۹۲) نیز بر تفکیک‌ناپذیری صلح، توسعه و حفاظت از محیط‌زیست تأکید کرده است.

یکی از مشکلات اساسی در این مورد، وجود انواع دیدگاه‌های سیاسی متفاوت در جهان است که با هم هماهنگی ندارند (۱۶)، زیرا، در این راستا، آن‌چه به ساختار کشورهای جهان سوم مربوط می‌شود به گونه‌ای است که فرصتی را برای رسیدن به سطح جهان غرب در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد؛ از سوی دیگر، توسعه اقتصادی که در غرب صورت گرفته است، معمولاً زائیده صنعتی کردن در مقیاس وسیع، بهره‌برداری از منابع محدود و ایجاد آلودگی زیست‌محیطی و نظایر آن بوده است. بنابراین،

1- A.C.F Beales
2- The History of Peace

همه موجودات زنده و غیرزنده زمین که این اندیشه قوی‌ترین ابزاری برای ایجاد صلح پایدار در میان ملت‌ها و دولت‌ها به شمار می‌آید (۱۸).

ضرورت ژئوپلیتیک زیست‌محیطی در جهان نوین

کتاب «بهار خاموش»^۱ (۱۹۶۲)، اثر راشل کارسون^۲، مناسب‌ترین اثری است که توجه عمومی را به یک بحران زیست‌محیطی در حال افزایش جلب می‌کند. کارسون، در این کتاب به انتقاد از زیان‌های وارد شده به حیات وحش و دنیای حیوانات که زاینده استفاده روز افزون از سموم دفع آفات و سایر مواد شیمیایی به کار رفته در کشاورزی است، می‌پردازد (۱۹).

علاوه بر او پل کندی^۳ (۱۹۹۳) مورخ مشهور، یک فصل کتاب خود را به نام «آمادگی برای قرن بیست و یکم»^۴ به تأثیر زیانبار انسان بر کره زمین اختصاص داد. کندی چنین نتیجه‌گیری می‌کند که مشکلات جدی است و در ورای جنبه‌های ظاهری بعید به نظر می‌رسد که سازماندهی مجدد و تصمیماتی که برای حل این مشکلات مورد نیاز است، انجام گیرد (۲۰).

البته، نظر وی، یک دیدگاه منحصر به فرد در میان صاحب‌نظران این مقوله نیست. درباره این عقیده که زمین به طور جدی آسیب دیده است و امروز با شدت و با سرعت بیشتر از هر زمان دیگر در حال تخریب می‌باشد، همگان اتفاق نظر دارند (۲۱).

از این رو، اکنون زمان آن فرا رسیده است تا درک شود که محیط‌زیست مسئله مهم امنیت ملی است. تأثیر سیاسی و راهبردی جمعیت‌های مواج، پخش بیماری‌ها، جنگل‌زدایی، فرسایش خاک، تهی‌سازی منابع آب، آلودگی هوا و احتمالاً بالا آمدن سطح آب دریاها تا حالت بحرانی، مناطق دارای سرریز جمعیتی نظیر بنگلادش و دلتای نیل را دچار توسعه‌هایی که مهاجرت‌های توده‌ای را گسترش می‌دهد، خواهد نمود. همه این‌ها در کانون چالش سیاست خارجی کشورها قرار می‌گیرند که توجه توده مردم را به

منافع و علایق دسته‌بندی شده جدید پس از جنگ سرد جلب می‌نماید (۴).

بر این اساس، به منظور پی‌بردن به شیوه‌هایی که مسایل زیست‌محیطی^۵ موجب جلب توجه عمومی و بیان خواسته‌های آنان برای تغییر می‌شود، می‌توان به اثر سولزبری (۱۹۷۶) مراجعه کرد. وی با یک دستور کار مصنوعی یا یک فهرست خیالی، بهترین موضوعات را توصیف می‌کند که مورد مشاجره سیاسی بوده و افکار عمومی، خواستار اقدام در مورد آن است اما به مرور زمان این دستور کار عوض می‌شود؛ زیرا یا به موضوعات رسیدگی شده است و یا دیگر نیازی نیست که اقدام بیشتری صورت گیرد و سپس مسایل جدیدی بروز می‌کند که برای بررسی در دستور کار قرار می‌گیرد (۱۰).

بنابراین، محل برخورد ملاحظات زیست‌محیطی و ژئوپلیتیک آغاز می‌شود و محیط‌زیست‌گرایی دیگر، صرفاً تماشای پرندگان، نجات جنگل‌ها و پاکیزه‌سازی هوا را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه، اقدامات گسترده‌تری از جمله، اقداماتی علیه دفع زباله‌های سمی، حقوق مصرف‌کنندگان، اعتراض‌های ضد هسته‌ای، فمینیسم^۶ و شماری از مسایل دیگر با دفاع از طبیعت و محیط‌زیست را در بر می‌گیرد (۲۲). به این ترتیب، ریشه این نهضت در گسترش چشم‌انداز وسیعی از دعاوی و حق‌طلبی‌ها روز به روز تقویت می‌شود (۲۳).

جهانی شدن مسایل زیست‌محیطی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اکنون این احساس پیدا شده است که در جهان کنونی دولت‌ها و ملت‌ها باید به فکر حفظ سیاره زمین و محیط‌زیست آن باشند، نه فقط حفظ کشورهایشان. این طرز تفکر به تدریج جنبه جهانی پیدا کرده و موجب کم‌رنگ شدن حاکمیت دولت‌ها شده است. این مسایل در نخستین دهه‌های فعالیت سازمان ملل به این صورت مطرح نبود و موضوع مورد توجه آن بود که دولت‌ها چگونه بر منابع طبیعی خود کنترل داشته باشند.

5- Environmental Issues

۶- فمینیسم (نهضت آزادی زنان) از جمله ایدئولوژی‌های جدیدی می‌باشد که هواداران آن بر این باورند که زنان به طبیعت نزدیک‌تر بوده و با نیروهای طبیعت هماهنگ می‌باشند در حالی که، مردان بیرون از طبیعت یا در تضاد با آن قرار دارند.

1- Silent Spring

2- Rachel Carson

3- Paul Kennedy

4- Preparing for the twenty-first Century

کمبرود خاک مرغوب ۵- آلودگی هوا و ریزش برف و باران اسیدی ۶- مشکل انهدام زباله‌های هسته‌ای ۷- تخریب جنگل‌ها و تنوع زیستی و.... .

لازم به یادآوری است که بحران‌های یادشده را نمی‌توان جدا از متغیرهای جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دانست. اگرچه در گذشته ژئوپلیتیک درگیری ملت‌ها و دولت‌ها را در رابطه با گسترش ارضی و حفظ منابع طبیعی مورد مطالعه قرار می‌داد، اما در دوران اخیر، مسایل زیست‌محیطی را به عنوان عامل درگیری و منازعه میان دولت‌ها و ملت‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهد. با وجود این برخلاف گذشت مدت زمان طولانی از تهدیدهای امنیتی مسئله زیست‌محیطی، به نظر می‌رسد این مسئله باید زودتر از این وارد بحث‌های ژئوپلیتیکی می‌شد (۲۹).

محیط‌زیست با توجه به تعدد و پیچیدگی قراردادها و کارگزاری‌های بین‌المللی که از آن دفاع می‌کنند، چالش‌های ویژه‌ای در برابر انسجام و وحدت رویه‌ها به وجود می‌آورد. اینک بیش از ۴۰۰ معاهده منطقه‌ای و جهانی چندجانبه مربوط به محیط‌زیست در دست اجرا است که طیفی گسترده از مسایل مربوط به محیط‌زیست از جمله تنوع زیستی، تغییر آب و هوا و مبارزه با بیابان‌زدایی را در بر می‌گیرد. ویژگی بخشی این اسناد حقوقی و تشکیلات و نظام جزء جزء شده برای نظارت بر اجرای آن‌ها، امکان نشان دادن واکنش‌های مؤثر همگانی و فراگیر را دشوارتر می‌کند (۳۰).

چشم‌انداز ژئوپلیتیک زیست‌محیطی

آینده برای انسان‌ها از هر زمان دیگری در تاریخ، هم روشن‌تر و هم تاریک‌تر است. دنیایی که آدمی در آن زندگی می‌کند به خاطر این که با رسالت نابودی و رسالت تکنولوژی مواجه می‌باشد، پوچ به نظر می‌آید. میلیاردها هزینه می‌شود تا افراد انگشت‌شماری به کره ماه برسند و در اینجاست که به اهمیت حفاظت تنوع زندگی بر روی کره زمین پی برده می‌شود. الگوی مصرفی یک چهارم جمعیت دنیا بر این مبناست که بیش از پیش از منابع طبیعی استفاده کنند. اما پس‌مانده حاصله، موقعیت ثروتمندان و امید فقیران را

در طول دهه ۱۹۶۰ قراردادهایی برای جلوگیری از آلودگی دریاها به ویژه بر اثر نشت نفت توسط سازمان ملل به امضا رسید (۲۴).

از آن زمان شواهد روزافزونی از زوال محیط‌زیست در مقیاسی جهانی وجود داشته است و جامعه بین‌المللی درباره تأثیر توسعه بر زیست‌بوم کره زمین و سلامت و رفاه انسان‌ها، نگرانی روزافزونی از خود نشان داده است (۲۶).

از این رو، رابطه بین توسعه و نابودی محیط‌زیست نخستین بار در سال ۱۹۷۲ در کنفرانس محیط‌زیست سازمان ملل در استکهلم مطرح شد. از نکات شایان ذکر کنفرانس مذکور آن بود که برای نخستین بار رابطه کلی میان محیط‌زیست و توسعه به صورت رسمی در قالب روابط کشورهای شمال (پیشرفته) و کشورهای جنوب (در حال توسعه) مطرح گردید (۲۷).

اینک ضروری است که به پاره‌ای از بحران‌های زیست محیطی که در گستره جهانی مطرح می‌باشند، پرداخته شود.

بحران‌های زیست‌محیطی قرن بیست و یکم

در آستانه عملیات طوفان صحرا، ملک حسین، پادشاه اردن بیان کرد: «اگر چه جنگ نفت شروع شده است اما ممکن است جنگ آب و درگیری‌های ناشی از تخریب خاک، جنگل، افزایش درجه حرارت زمین، افزایش سطح آب دریاها و پیامدهای ناشی از آن، زیاد به تعویق نیفتد» (۲۶).

این سخن نشان می‌دهد که آسیب‌های اکولوژیکی فضای جهانی متمایز بین کشورهای غنی و در حال توسعه باعث به وجود آمدن یک بحران در بیوسفر زمین شده است. کشورهای شمال (کشورهای پیشرفته) مدلی را برای توسعه آغاز نموده‌اند که این عمل شامل الگوهای مصرفی می‌شود و ادامه آن بسیار مشکل است. کشورهای جنوب نیز به ظاهر در حال پیروی از چنین الگویی جهت رسیدن به توسعه می‌باشند (۲۸).

مهم‌ترین موضوعاتی که به عنوان بحران‌های فرامرزی تمام دولت‌ها را به چالش واداشته‌اند عبارتند از: ۱- گرم شدن زمین ۲- کاهش لایه ازن ۳- کمبود آب شیرین ۴-

به خطر می‌اندازد(۳۱).

تحولات عظیمی در قرن بیست و یکم صورت خواهد گرفت که موجب تغییرات فاحشی در زندگی بشر خواهد شد. این تغییر و تحولات را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. افزایش سریع تکنولوژی ارتباطات

۲. افزایش تکنولوژی محصولات

۳. رشد تکنولوژی ژنتیکی

۴. پیشرفت تکنولوژی انرژی

در این راستا، کشورهای جهان به سه دسته کشورهای صنعتی، کشورهای نیمه‌صنعتی و کشورهای غیرصنعتی تقسیم خواهند شد؛ و جمعیت جهان در سال ۲۰۲۵ به صورت زیر خواهد بود:

- جمعیت کل جهان ۸/۴ میلیارد نفر

- جمعیت کشورهای صنعتی یا مرفه ۱/۳ میلیارد نفر

- جمعیت کشورهای نیمه‌صنعتی ۵/۱ میلیارد نفر

- جمعیت کشورهای غیرصنعتی ۲ میلیارد نفر (۳۲).

از این رو با توجه به معادله زیر، محیط‌زیست ظرفیت جوابگویی و تأمین نیازهای جمعیت مذکور را نخواهد داشت:

تأثیر محیط زیست = انتخاب نوع فن آوری × عادات مصرف (روش زندگی) × مقدار تراکم جمعیت (۳۳)

چنین به نظر می‌رسد که در آینده، ژئوپلیتیک پیوندی عمیق و استوار با وضعیت بحران زیست‌محیطی در سطح منطقه‌ای و جهانی خواهد داشت. این چشم انداز نشان می‌دهد دولت‌ها و ملت‌ها در جهان معاصر چاره‌ای جز کنار گذاردن الگوها، سیاست‌ها و روش‌هایی که موجب نابودی گونه‌های انسانی و دنیای طبیعی می‌شوند، ندارند. به همین دلیل مسایل زیست‌محیطی در سال‌های اخیر چالش‌های ژئوپلیتیکی مهمی را برای روابط بین‌الملل به وجود آورده است. این چالش‌ها عبارتند از:

۱- چالش اول: به نقش و اهمیت کشورها باز می‌گردد.

از دیرباز علم روابط بین‌الملل بر حول محور کشورها استوار بوده است. کشورها بر اساس مفهوم حاکمیت، هر يك در پی دستیابی به منافع خویش می‌باشند. با وجود این، معضلات زیست‌محیطی منطقه‌ای و جهانی

مشکلات عینی و جدی در چگونگی اعمال حاکمیت کشورها و محدودیت‌های آن‌ها ایجاد نموده است. بنابراین، کشورها نقش اصلی و اساسی را در ترسیم سیاست زیست‌محیطی، چه در سطح ملی و منطقه‌ای و چه در سطح جهانی، بیشتر ایفا خواهند کرد. اما نقش و تأثیر شرکت‌های چند ملیتی و سازمان‌های غیر دولتی را نیز نباید در این مورد نادیده گرفت. به طوری که، نقش و تأثیر آن‌ها در این مورد به تدریج موجب کم‌رنگ شدن حاکمیت دولت‌ها می‌شود.

۲- چالش دوم: مربوط به اجرای تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی است که نیازمند همکاری‌های نهادهای بین‌المللی، کشورها، سازمان‌های منطقه‌ای و داخلی می‌باشد.

بررسی‌های صورت گرفته درباره سیاست‌های بین‌المللی زیست‌محیطی نشان می‌دهد که دخالت و نقش عوامل غیردولتی در امور مسایل زیست‌محیطی به خصوص در توافق‌نامه‌ها بسیار مهم می‌باشد. جایگاه کشورها نیز در این مورد باید مورد بازبینی قرار گیرد. زیرا ماهیت و معضلات مسایل زیست‌محیطی جهان به گونه‌ای است که مقابله با آن‌ها نیازمند همکاری گسترده میان فرآیندها و عوامل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. شبکه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و فراملی، چون سازمان‌های غیردولتی حفاظت محیط‌زیست، شرکت‌های چند ملیتی، نهادهای مالی و دانشمندان به طور عمده نقش مهمی در این مورد ایفا می‌کنند. همان گونه که از وجه تسمیه آن‌ها بر می‌آید، در محدوده هیچ گونه حد و مرز کشوری یا بین‌المللی نمی‌گنجند.

۳- چالش سوم: به رابطه بین شناخت و آگاهی قدرت و منافع باز می‌گردد. دانش علمی و تخصصی، اغلب نقش مهمی در زمینه سیاست‌های بین‌المللی ایفا می‌کند(۳۴).

نتیجه‌گیری

پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، به این معنی نبوده است که دیگر در جهان امروز، ایدئولوژی سیاسی وجود ندارد. در مقابله با ایدئولوژی قدرتمند

۶. باشگاه رم (۱۳۶۷)، «جهان در آغاز قرن بیست و یک»، ترجمه: علی اسدی، انتشارات انقلاب اسلامی.
۷. دابسون، اندرو (۱۳۷۷)، «فلسفه و اندیشه سیاسی سبزها»، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات آگاه.
۸. بوتکین، دانیل و ادوارد کله (۱۳۷۸)، «شناخت محیط زیست زمین سیاره زنده»، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۹. لواسانی، احمد (۱۳۷۲)، «کنفرانس بین المللی محیط زیست ریو دو ژانیرو»، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۰. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، «درآمدی بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه: دره میرحیدر، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۱. شکوئی، حسین (۱۳۸۲)، «اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا»، جلد دوم، انتشارات گیتاشناسی.
۱۲. فالتزگراف، رابرت و جیمز دوئرتی (۱۳۷۶)، «نظریه های متعارض در روابط بین الملل»، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، انتشارات قومس
۱۳. خالد، فضلان و جوان اوبراین (۱۳۷۸)، «اسلام و محیط زیست»، ترجمه: اسماعیل حدادیان مقدم، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۴. اعضای آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی (سابق) (۱۳۷۲)، «انسان، جامعه و محیط زیست»، ترجمه: دکتر صلاح الدین محلاتی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. نافلر، آلوین و هایدی نافلر (۱۳۷۲)، «جنگ و ضد جنگ»، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، انتشارات سیمرغ.
۱۶. وینسنت، اندرو (۱۳۷۸)، «ایدئولوژی های مدرن سیاسی»، ناسیونالیستی (ملت‌گرا) این احساس پیدا شده است که در جهان کنونی انسان‌ها باید به فکر حفظ سیاره زمین و محیط‌زیست آن باشند، نه حفظ کشورها. این طرز تفکر به تدریج موجب کمرنگ شدن حاکمیت دولت‌ها شده است. این ایدئولوژی سیاسی جدید که به فلسفه سبز موسوم است، امروزه، طرفداران زیادی در جهان پیدا کرده است و بیش‌تر بر نقش سازمان‌ها و شرکت‌های غیردولتی در امور زیست‌محیطی و نیز بر تقسیم منصفانه منابع طبیعی میان ملت‌ها و نسل‌های آینده تأکید دارد.
- بر این اساس، اکنون، ژئوپلیتیک پیوند عمیقی با مسایل زیست‌محیطی پیدا کرده است چرا که، دولت‌ها و ملت‌ها پی برده‌اند که برای به دست آوردن صلح و آرامش و از بین بردن منازعات میان خود مناسب‌ترین راهبرد، رعایت مسایل زیست‌محیطی می‌باشد.

منابع

۱. هی وود، اندرو (۱۳۸۳)، «درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی»، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، انتشارات وزارت امور خارجه.
2. Kelly, Petra (1994), "Thinking Green: Essays on Environmentalism, Feminism, and Nonviolence", Berkeley: Parallax Press.
۳. فرید، یدالله (۱۳۷۹)، «شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی»، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
۴. اتوتایل، ژناروید و دیگران (۱۳۸۰)، «اندیشه های ژئوپلیتیک در قرن بیستم»، ترجمه: محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. برادن، کتلین و فرد شلی (۱۳۸۳)، «ژئوپلیتیک فراگیر»، ترجمه: علی فرشچی و حمیدرضا رهنما، انتشارات دوره عالی جنگ.

- ترجمه: مرتضی ثاقب فر، انتشارات ققنوس.
- درمخاصمات مسلحانه بین المللی»، انتشارات وزارت امور خارجه
۱۷. زین العابدین، یوسف (۱۳۸۵)، «توسعه، محیط زیست و دولت ها در قرن ۲۱»، مجموعه مقالات اولین همایش جغرافیا و قرن ۲۱، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
۱۸. رادیو B.B.C (۱۳۸۴/۸/۳۰)، «دوازدهمین برنامه تاریخ اندیشه سیاسی»
۱۹. کارسون، راشل (۱۳۸۱)، «بهار خاموش»، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده و عوض کوچکی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
20. Kennedy, P (1993), "Preparing for the twenty-first Century", New York, Random House.
۲۱. جانستون، آر. جی. و دیگران (۱۳۸۳)، «جغرافیاهای تحول جهانی»، ترجمه: نسرين نوریان، انتشارات دوره عالی جنگ.
۲۲. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴)، «عصر اطلاعات: جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه ای)»، ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرح نو.
23. Gottlieb, Robert (1993), «Preparing for the twenty-first Century», New York, Random House.
۲۴. زین العابدین، یوسف (۱۳۸۳)، «جغرافیای سیاسی و مدیریت دریاها (با تاکید بر مرزهای دریایی ایران)»، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۲۵. سازمان ملل متحد (۱۳۸۴)، «حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد»، ترجمه: علی ایثاری کسمایی، انتشارات مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران.
۲۶. بختیاری اصل، فریبرز (۱۳۷۶)، «حفاظت از محیط زیست
۲۷. دادس، کلاوس (۱۳۸۴)، «ژئوپلیتیک در جهان متغیر»، ترجمه: زهرا احمدی، انتشارات بلاغ دانش.
۲۸. زاکس، اینانسی (۱۳۷۳)، «بوم شناسی و فلسفه توسعه»، ترجمه: سید حمید نوای، ناشر موسسه فرهنگی کیان.
29. Mac Donald, Gordon J., (1995), «Environmental Security», Policy, University of California.
30. U.N. (2005), "In Larger Freedom: Towards Development, Security & Human Rights for all Report of the Secretary-General ", U.N. Information Center in Tehran.
۳۱. میلر، جورج تایلر (۱۳۸۲)، «زیستن در محیط زیست»، ترجمه: مجید مخدوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. مصدق، احمد (۱۳۸۲)، «تخریب محیط زیست جهانی و آینده جهان»، نشر علوم کشاورزی.
۳۳. دبیر سیاقی، سید منوچهر (۱۳۸۳)، «بحران محیط زیست»، انتشارات حدیث امروز، قزوین.
۳۴. گرین، آون (۱۳۷۹)، «محیط زیست»، ترجمه: احمد علیخانی، انتشارات دوره عالی جنگ.